

شماره ۶

شهریور ۱۳۶۰

فردای ایران

همکاران این شماره :

- ایرج افشار ● محمود احيائي ● پرويز رجبى
- ژاله سلطاني ● پرويز شهريارى ● س.ع. صالحى
- محمدرضا صفدرى ● محمد قاضى ● کاوه گوهريين
- فهرست اسامى کتب مضره‌اى که منتشر نشده‌اند
[سندی منتشر نشده از دوران پيش از انقلاب]



نام‌آشنایان ایران : ژاله سلطانی (اصفهانى)

باتو و کارون

چه شادمانه شکفته است گلشن دیدار
 که دیده است که عمر گذشته باز آید؟
 زمان رفته ز نو شاد و دلنواز آید
 دوباره زنده شود روزهای خاطره زان؟
 امان ز خاطره‌ها
 که همچو کشتی دوری است در شب دریا
 گهی درخشد و گاهی نهان شود ز نظر...

□
زمان - زمان دگر

هوای صبح بهاران ساحل کارون
 نغیر و نغمه مرغان مست نخلستان
 دو جان تازه پاکیزه و دو جسم جوان
 تو بودی و من
 و آفتاب فروزان و آسمان وطن.
 هنوز مانده به یادم، که پاره‌سنگی را
 که بود بر لب کارون، ز شوق بوسیدم
 و این جدائی من بود
 از تو و آن رود.
 پلی شکست

و سیل‌های خروشنده، راه‌ها را بست
 چه رودها که به دریای بیکران پیوست.

□
کنون که باز شکفته است گلشن دیدار
تو هستی و من

و آفتاب فروزان و آسمان وطن
 درون موج نگاه تو، رود کارون را
 به خاطر آورم و روزگار رفته خویش.
 ز هر چه بیشتر این لحظه آرزو مندم
 که چشم آبی کارون دگر نبیند خون
 که چهره‌اش شود از سرخی شفق گلگون
 همشه ساحل کارون

مکان مردم پیروز قهرمان باشد
 امید میهن و میعاد عاشقان باشد.

فروردین ۱۳۶۰

۵۶۵

تعبیرات تاریک دور
 رای مردم کشور ما
 حتی سواد خواندن
 با دیوان حافظ راز
 و جان خود نیرو

را با شعر سنتی این
 اما می‌شود آن را
 ده‌های ملیونی مردم
 می‌دهند. روزی که
 سکولور شکوه‌مندی به

این نیاز اجتماعی و
 انگیز و سنتی ایران
 ست و بی‌انتهای...

در ادبیات جهان و
 ها را درمان می‌کند.
 و خواننده روشنفکر،
 دم ساده وطن فاصله
 اما شعر بی‌وزن
 و بی‌بیتی‌های پی‌هم، در
 یک را عیناً تکرار



محروم صف برصف،
 پیرهای تلخ آخته را
 جشن آتش و عشق...
 هار آینه... حلقه‌های

تهران ۱۳۶۰